

تأویل و بازسازی متن شهری از طریق تجربه زیسته ساکنان و لایه - خاطره‌های شهری. مورد مطالعاتی: محله سنگلج تهران

سیده شیوا معیری‌پور* (دکتری شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی
تهران ایران).

دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۲۷

پذیرش ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

شهرسازی و معماری ایران (۱۴۰۳) زمستان، ۱(۳)، ۳۲-۲۲



چکیده

Abstract

Cities, in addition to their physical fabric, carry deep layers of memories and experiences of their residents that shape the identity and meaning of that place. This research aims to examine the process of reconstructing and interpreting the urban text through the lived experiences of residents and the layers of urban memories in the Sangalch neighborhood of Tehran. Objective: The goal of this research is to gain a deeper understanding of the identity and meaning of the Sangalch neighborhood in Tehran, which is derived from an exploration of the lived experiences of residents and the layers of urban memories. This research was conducted using a phenomenological approach and in-depth analysis of unstructured interviews with the residents of the Sangalch neighborhood. Key and meaningful expressions from the interviews were extracted, and based on them, the main themes and concepts related to the lived experience and urban memories in this neighborhood were identified. The results of this research indicate that the lived experiences of residents and the layers of urban memories play a significant role in shaping the identity and meaning of the Sangalch neighborhood. These memories are not only related to the neighborhood's past, but they also play a role in shaping the residents' perceptions and expectations of its future. This research reveals the depth and complexity of the concept of urban identity and meaning, and shows that understanding this issue requires attention to the lived experiences and memories of citizens.

شهرها، علاوه بر کالبد فیزیکی، حامل لایه‌های عمیقی از خاطرات و تجربیات ساکنان خود هستند که هویت و معنای آن مکان را شکل می‌دهند. این پژوهش به دنبال بررسی نحوه‌ی بازسازی و تأویل متن شهری از طریق تجربه زیسته ساکنان و لایه‌های خاطره‌های شهری در محله سنگلج تهران است. هدف این پژوهش، درک عمیق‌تر از هویت و معنای محله سنگلج تهران است که از طریق کاوش در تجربیات زیسته ساکنان و لایه‌های خاطره‌های شهری حاصل می‌شود. این پژوهش با استفاده از روش پدیدارشناسی و تحلیل عمیق مصاحبه‌های غیرساختاریافته با ساکنان محله سنگلج انجام شده است. عبارات کلیدی و معنادار از مصاحبه‌ها استخراج شده و بر اساس آن‌ها، تم‌ها و مفاهیم اصلی مربوط به تجربه زیسته و خاطرات شهری در این محله شناسایی شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تجربه زیسته ساکنان و لایه‌های خاطره‌های شهری نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و معنای محله سنگلج دارند. این خاطرات نه تنها به گذشته‌ی محله مربوط می‌شوند، بلکه در شکل‌گیری تصورات و انتظارات ساکنان از آینده آن نیز نقش دارند. این پژوهش عمق و پیچیدگی مفهوم هویت و معنای شهری را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که درک این موضوع نیازمند توجه به تجربیات زیسته و خاطرات شهروندان است.

واژگان کلیدی: بازسازی متن شهری، تجربه زیسته ساکنان، لایه‌های خاطره‌شهری، پدیدارشناسی، محله سنگلج تهران

Keywords: Reconstruction of urban text, lived experiences of residents, Layers of urban memories, Phenomenology, Sangalch neighborhood of Tehran.

مقدمه

۱. شهرها موجوداتی زنده و پویا هستند که در گذر زمان، هویت و معنای خود را از طریق تجربیات و خاطرات ساکنانشان شکل می‌دهند (Relph, 1976 & Lynch, 1960). این هویت جمعی در عناصر مختلف شهری مانند بناها، خیابان‌ها، فضاهای عمومی و حتی خاطرات و تجربیات ساکنان متبلور می‌شود (Norberg-Schulz, 1980 & Tuan, 1990). در حقیقت، شهرها همواره شاهد تغییرات و تحولات مهمی بوده‌اند که در طول زمان لایه‌هایی از معنا و حافظه در محیط شهری ایجاد کرده‌اند.

۲. تجربه زیسته به‌عنوان مفهومی کلیدی، به تجارب و برداشت‌های فردی از محیط اشاره دارد که در شکل‌دهی به معنای مکان نقش مؤثری ایفا می‌کند (Heidegger, 1962 & Cresswell, 2015). در کنار آن، لایه -خاطره‌های شهری، به خاطرات جمعی و فردی مرتبط با مکان‌هایی اشاره دارند که در گذر زمان انباشته شده و غنای هویتی محیط را افزایش می‌دهند (Collaku, 2022 & Schama, 1995).

۳. این پژوهش با الهام از رویکردهای پیشین، به بررسی چگونگی بازسازی و تأویل متن شهری از خلال تجربیات زیسته و خاطرات شهری در محله تاریخی سنگلج تهران پرداخته است. روش پژوهش مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی و استفاده از مصاحبه‌های غیرساختاریافته بوده تا به فهمی عمیق از معنای نهفته در این محیط شهری دست یابد. بررسی محله سنگلج به‌عنوان یکی از مناطق تاریخی تهران که غنی از لایه‌های فرهنگی و اجتماعی است، می‌تواند شناخت ما را از معنای شهری و فرایندهای هویت‌سازی افزایش دهد.

۴. پیشینه پژوهش

۵. الف) تجربه زیسته و هویت مکان

۶. درک هویت مکان به عنوان یک مفهوم کلیدی در مطالعات شهری، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده است. هویت مکان به

این معناست که به یک مکان خاص نسبت داده می‌شود و آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌کند. این معنا می‌تواند از طریق عوامل مختلفی مانند تاریخ، فرهنگ، ویژگی‌های فیزیکی و تجربیات ساکنان شکل بگیرد. تجربه زیسته نیز به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری هویت مکان، به تجربیات و برداشت‌های فردی از محیط اشاره دارد که هویت و معنای مکان را برای او شکل می‌دهد. این تجربیات می‌توانند شامل خاطرات، احساسات، باورها و ارزش‌هایی باشند که افراد در ارتباط با مکان دارند (Heidegger, 1962 & Cresswell, 2015).

۷. تحقیقات متعددی به بررسی نقش تجربه زیسته در شکل‌گیری هویت مکان پرداخته‌اند. جدول شماره ۱ برخی از مطالعات انجام شده در این خصوص را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. پیشینه تحقیق در خصوص تجربه‌ی زیسته و هویت مکان

محقق	عنوان	هدف	روش تحقیق	نتایج اصلی
طاهری و همکاران، ۱۴۰۲	تبیین روابط علی-معلولی و اولویت‌بندی مولفه‌های هویت مکانی با استفاده از مدل ترکیبی DANP (مطالعه موردی: بافت تاریخی شهر تهران)	شناسایی و اولویت‌بندی مولفه‌های هویت مکانی در بافت تاریخی تهران	پرسشنامه خبرگان	اهمیت مولفه‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شکل‌گیری هویت مکانی
حق‌پرست و دیگران، ۱۳۹۸	تأثیر مولفه‌های هویت مکان بر حس تعلق به مکان؛ مطالعه بازار تاریخی تبریز	بررسی نقش مولفه‌های هویت مکانی در ایجاد حس تعلق به مکان در میان کسبه بازار تاریخی تبریز	پرسشنامه و تحلیل آماری	مولفه‌های خاطره‌انگیزی، رضایت‌مندی و شناخت به ترتیب بیشترین همبستگی را با حس تعلق مکانی دارند.
حاجی‌زاده و دهقانیان، ۱۳۹۴	مکان‌ها، نام‌ها و هویت مکانی: مطالعه موردی شهر تهران	بررسی تأثیر نام‌گذاری مکان‌ها بر هویت مکانی در شهر تهران	توصیف غنی و تکنیک‌های طبقه‌بندی	نام‌های انسانی و واژه «آباد» بیشترین فراوانی را دارند و نام‌گذاری‌ها تحت‌تأثیر سیاست قدرت حاکم هستند.
Wang, 2019	تجربه زیسته و حس مکان در میان مهاجران چینی اواخر سن تحت‌حمایت خانواده در ادمنتون	بررسی رابطه بین مهاجران سالمند چینی تحت‌حمایت خانواده و مکان‌های مختلف در ادمنتون، کانادا	مطالعه موردی پدیدارشناسی	ارائه دو چارچوب برای نشان دادن روابط بین مهاجران و مکان‌ها و چالش کلیشه‌ها.
Scannell & Gifford, 2017	مزایای روان‌شناختی تجربه‌شده دل‌بستگی به مکان	بررسی فواید روان‌شناختی تجربه‌شده دل‌بستگی به مکان	مرور ادبیات	دل‌بستگی به مکان منجر به فواید روان‌شناختی مانند امنیت، تعلق خاطر و خودشناسی می‌شود.
Campelo et al., 2014	حس مکان، اهمیت برندسازی مقصد	توسعه درک جامع‌تری از حس مکان	مصاحبه با ساکنان محلی	ارائه درکی تجربی از هویت مکان که بیانگر تصویر مکان ناشی از تجربه و حافظه کاربران مکان است.
Manzo & Devine-Wright, 2013	در جست‌وجوی ریشه‌ها: حافظه به عنوان توانمندکننده پیوست مکان.	بررسی رابطه بین حافظه محل سکونت، هویت مکانی و دل‌بستگی به مکان	سنجش رتبه‌بندی خودشناسایی‌های مرتبط با مکان	حافظه محل سکونت با هویت مکانی و دل‌بستگی به مکان ارتباط دارد.
Twigger-Ross & Uzzell, 1996	فرایندهای مکان و هویت	بررسی نقش محیط فیزیکی در شکل‌گیری هویت فردی	مصاحبه با ساکنان محلی	هویت مکانی بخشی از هویت فردی است که از تعامل فرد با محیط فیزیکی شکل می‌گیرد.

۱۰. روش پدیدارشناسی به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی، برای بررسی تجربیات زیسته افراد و درک معانی آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش بر این ایده استوار است که می‌توان از طریق مطالعه تجربیات افراد، به درکی عمیق‌تر از دنیای آن‌ها دست یافت (Merleau-ponty, 1945). در مطالعات شهری برای بررسی هویت مکان از طریق تجربیات زیسته ساکنان به کار رفته است مطالعات، از روش‌های مختلفی مانند مصاحبه، گروه‌های متمرکز و مشاهده برای جمع‌آوری داده استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری شده سپس با استفاده از روش پدیدارشناسی تجزیه و تحلیل می‌شوند. برخی این تحقیقات در جدول شماره ۲ خلاصه شده‌اند.

جدول ۲. پیشنهاد تحقیق در خصوص پدیدارشناسی

محقق	عنوان	هدف	روش تحقیق	نتایج اصلی
حسینی گوهری و همکاران، ۱۴۰۲	پدیدارشناسی تولید فضای شهری در تجربه زیسته شهروندان تهران از فضاهای عمومی فرهنگی	بررسی چگونگی تولید فضای شهری در تجربه زیسته شهروندان تهران	توصیفی-تحلیلی	فضاهای عمومی پاسخگوی نیازهای کاربران هستند و بازنمایی الگوهای رفتاری انسان‌ها در فضا بر شکل‌گیری تجربه زیسته تأثیرگذار است.
پوررجبی و همکاران، ۱۴۰۱	معنای توسعه در فضاهای پیراشهری؛ یک مطالعه پدیدارشناختی (مورد: شهر رشت)	درک معنای توسعه و تجربه زیسته افراد در فضاهای پیراشهری شهر رشت	پدیدارشناسی	تجربه زیسته افراد در فضاها متأثر از عوامل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است.
فلاح و همکاران ۱۳۹۳	مطالعه پدیدارشناسانه سبک زندگی جوانان در شهر تهران	بررسی و بازسازی معنایی سبک زندگی جوانان شهر تهران	پدیدارشناسی	سبک زندگی جوانان متأثر از تغییرات ساختار اجتماعی و فرهنگی است.
کریمی و همکاران، ۱۳۷۸	تحلیل و بررسی مولفه‌های مؤثر بر ادراک نماهای شهری از منظر پدیدارشناسی	بررسی مولفه‌های مؤثر بر ادراک نماهای شهری از منظر پدیدارشناسی	پدیدارشناسی و نظریه زمینه‌ای	مشخص کردن مولفه‌های مؤثر بر تجارب ادراکی نماهای شهری و ارائه نمودار مراحل ادراکی.
Fuentes Farias, 2022	فضاهای شهری و معماری: تجربه و معنای آن از منظر پدیدارشناسی	بررسی اهمیت تجربه درک مستقیم ساختمان‌ها و ساختار شهری	تحلیل مفاهیم اصلی طراحی شهری-معماری و مشاهده تغییرات در نظریات	بررسی معنای مکان‌ها و همدلی به‌عنوان منابع شناختی برای فهم دیدگاه ساکنان.
Rezeanu, 2019	مقدمه‌ای بر رویکرد پدیدارشناختی به فضای شهری، مسکونی و خانگی	بررسی چگونگی استفاده دانشمندان اجتماعی از ایده‌های فلاسفه برای درک پدیدارشناسی زندگی روزمره	تفسیری	استفاده از نتایج چهار پروژه تحقیقاتی برای تفهیم ایده‌های پدیدارشناختی
Sekhvat & Aalborzi, 2018	تاملی بر فرایند معنای مجتمع تاریخی قزوین سعدالسلطنه	بررسی فرایند معنای مجتمع تاریخی قزوین سعدالسلطنه از منظر پدیدارشناختی	پدیدارشناختی	مجتمع تاریخی دارای حس قوی از مکان و معنا برای جامعه محلی است.
Pourmand et al., 2011	معنی «مکان» و «تخیل موضوعی» در مطالعات شهری از دیدگاه کریستن شولتز در رویکرد پدیدارشناختی	بررسی رویکرد پدیدارشناختی در معماری و مطالعات شهری	توصیفی-تحلیلی	مکان فضایی است که بشر باید با در نظر گرفتن گونه‌شناسی و ریخت‌شناسی از خود آگاه شود

۸. پیشنهاد تحقیق نشان می‌دهد که تجربه زیسته و هویت مکان از عوامل متعددی مانند روابط اجتماعی، محیط فیزیکی، حافظه و تجربه افراد تأثیر می‌گیرند. مطالعات مختلف نشان داده‌اند که دلبستگی به مکان می‌تواند به فواید روان‌شناختی مانند امنیت و تعلق خاطر منجر شود و هویت مکانی از تعامل فرد با محیط فیزیکی شکل می‌گیرد. همچنین مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شکل‌گیری هویت مکانی اهمیت دارند. برای تحلیل این موضوع می‌توان از روش‌های پدیدارشناسی، تحلیل آماری و مصاحبه‌های عمیق استفاده کرد تا درکی جامع‌تر از تعاملات بین فرد و مکان به دست آید.

۹. (ب) روش پدیدارشناسی

ویژگی‌های کالبدی و تجربیات ساکنان شکل می‌گیرد. (Relph, 1960 & Lynch, 1976) این مفهوم چندوجهی مورد توجه فیلسوفان، جامعه‌شناسان و شهرسازان بوده و به‌عنوان یکی از ارکان‌های اصلی برنامه‌ریزی شهری شناخته می‌شود. (Norberg-Schulz, 1980 & Tuan, 1990) عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت مکان نقش دارند، از جمله:

- تاریخ: وقایع تاریخی و رویدادهای برجسته در تقویت هویت مکان نقش دارند. (Heidegger, 1962 & Cresswell, 2015)
- فرهنگ: باورها، ارزش‌ها و آداب و رسوم محلی به غنای فرهنگی و معنایی مکان کمک می‌کنند (Collaku, 2022 & Schama, 1995)
- ویژگی‌های فیزیکی: معماری، چشم‌انداز و عناصر طبیعی مکان، بستری برای شکل‌دهی هویت فراهم می‌آورند. (Moya Pellitero, 2011)

• تجربیات ساکنان: خاطرات و احساسات مرتبط با مکان نقش کلیدی در تعریف هویت آن دارند. (Seamon, 1979 & Gill et al., 2008)

تجربه زیسته: دریچه‌ای به سوی هویت مکان

تجربه زیسته به معنای برداشت‌های فردی و جمعی از محیط است که در قالب خاطرات، احساسات و تعاملات شکل می‌گیرد (Heidegger, 1962 & Cresswell, 2015). بررسی این تجربیات از طریق روش‌هایی نظیر مصاحبه و مشاهده، امکان تحلیل عمیق هویت مکان را فراهم می‌سازد.

مطالعات پیشین نشان می‌دهند که تجربه زیسته و هویت مکان به‌شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی هستند. این عوامل نقش مهمی در ایجاد حس تعلق به مکان، رضایتمندی و خاطره‌انگیزی ایفا می‌کنند. بررسی‌های پدیدارشناختی نشان می‌دهند که فضاهای شهری و معماری از طریق تجربه مستقیم و درک ساکنان از آن‌ها معنا پیدا می‌کنند. به‌طور خاص، پژوهش‌ها در بافت‌های تاریخی و فضاهای عمومی نشان می‌دهند که تعاملات فردی و جمعی با محیط، تجارب زیسته افراد را شکل می‌دهد و به بازسازی معنایی و هویتی مکان‌ها کمک می‌کند. این ترکیب از یافته‌ها نشان می‌دهد که برای درک و بازسازی متن شهری، باید به تجارب زیسته ساکنان و لایه‌های خاطره‌های شهری توجه ویژه‌ای داشت، زیرا این تجارب و خاطره‌ها به‌عنوان منابع شناختی مهم برای درک و بازسازی هویت مکان و فضاهای شهری عمل می‌کنند.

در پژوهش حاضر، با رویکرد پدیدارشناختی و تحلیل مصاحبه‌های عمیق با ساکنان محله سنگلج تهران، به بررسی تجربیات و خاطرات آن‌ها از این محله پرداخته می‌شود. این رویکرد در مقایسه با مطالعات پیشین که بر تحلیل کالبدی و آماری محیط شهری در این محله متمرکز بودند، به درک عمیق‌تری از معنا و ساختار محله سنگلج دست می‌یابد.

مبانی نظری

هویت مکان: مفهومی چندوجهی

هویت مکان به معنای درک مشترک و تعلق افراد به یک مکان خاص است که بر اساس عواملی همچون تاریخ، فرهنگ،

جدول ۳. چارچوب نظری مطالعه هویت مکان و تجربه زیسته

منبع	تعریف	مفهوم
Relph (1976), Lynch (1960), Norberg-Schulz (1980), Tuan (1990)	معنایی که به یک مکان خاص نسبت داده می‌شود و آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌کند	هویت مکان
Heidegger (1962), Cresswell (2015), Collaku (2022), Schama (1995), Moya Pellitero (2011), Seamon (1979), Gill et al., (2008)	تاریخ فرهنگ ویژگی‌های فیزیکی تجربیات ساکنان	عوامل شکل‌دهنده هویت مکان
Heidegger (1962), Cresswell (2015)	تجربیات و برداشت‌های فردی از محیط که هویت و معنای مکان را برای او شکل می‌دهد.	تجربه زیسته
—	مصاحبه گروه‌های متمرکز مشاهده	روش‌های مطالعه تجربه زیسته

تحلیل مفهوم روح مکان در محله سنگلج، به‌ویژه در ارتباط با ابعاد تاریخی، کالبدی و اجتماعی، به‌روشنی نشان می‌دهد که این محله چگونه هویت و معنای خود را از تجربیات زیسته ساکنان و خاطرات جمعی گذشته کسب کرده است.

این تحلیل مبنای روش‌شناسی پدیدارشناختی این پژوهش قرار گرفته است. روش پدیدارشناسی با تمرکز بر درک تجربیات زیسته ساکنان و تحلیل روایت‌های آن‌ها، امکان بازسازی معنای از دست‌رفته یا فراموش شده محله را فراهم می‌کند. در بخش بعدی، روش‌های گردآوری داده‌ها و مراحل تحلیل، با هدف کشف و بازنمایی این معنای عمیق‌تر در محله سنگلج تشریح می‌شود.

روش

گام اصلی در فرایند پژوهش، انتخاب مسیرهای مناسب جهت دستیابی به پاسخ صحیح پرسش‌های پژوهش است. رهیافت پاسخگویی به پرسش‌ها نیازمند شناخت آن‌هاست. استراتژی‌های پژوهشی روش‌های متفاوتی برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش بدست می‌دهند که خصوصیات اصلی آن‌ها شامل نقطه‌ی آغاز، مراحل فی‌مابین و نقطه‌ی پایانی است.

از آنجایی که پوزیتیویست‌ها به‌دنبال اثبات الگوهای بنیادی برای روابط جهان اجتماعی هستند و پیرو آن‌ها عقل‌گرایان انتقادی به‌دنبال کاربست این الگوها برای استدلال‌های تبیینی خود هستند، اما در این پژوهش نیازمند دامنه‌ای از رهیافت‌های تفسیری هستیم که به تحقیق اجتماعی مربوط باشد. تفسیرگرایی آن چیزی را مطمح قرار می‌دهد که پوزیتیویست‌ها و عقل‌گرایان انتقادی آن را نادیده می‌گیرند؛ یعنی همان معناها، تفاسیر و انگیزش‌هایی که مردم در زندگی روزمره خود دنبال می‌کنند. تفسیرگرایان نیز به‌دنبال فهم دنیای اجتماعی هستند که مردم آن را ایجاد کرده‌اند و از طریق فعالیت‌های مستمر خود آن را بازتولید می‌کنند. بنابراین استراتژی استقهامی برساخته از مفروضات هستی‌شناسانه‌ای است که واقعیت اجتماعی را همچون برساخته اجتماعی کنشگران اجتماعی تلقی می‌کند (Crotty, 1998 & Blaikie, 1993) (صادقی صفایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴).

این نوع از تفسیرگرایی تا حد زیادی با رهیافت «بین‌الذهانی» سروکار دارد و وام‌دار هرمنوتیک و پدیدارشناسی اجتماعی است. تمرکز پدیدارشناسی بر تجربیات زیسته گروهی از افراد و نگاه و تلقی آن‌ها از یک مفهوم و پدیده است که در این سطح به کمک این روش می‌توان به خوانش متن و لایه‌های ازدست‌رفته‌ی شهر

دست یافت (Creswell, 2013) (کرمی قهی و علیزاده، ۱۴۰۱ و شورا و همکاران، ۱۴۰۲). بنابراین در این پژوهش از طریق استراتژی استقهامی و علم تأویل پدیدارشناسی به سؤالات اصلی پژوهش پاسخ داده خواهد شد.

مراحل زیر به‌عنوان مسیر پژوهش پدیدارشناسی طی می‌شود:

۱. رجوع به خود پدیده
۲. به تعلیق درآوردن تجربیات و پیش‌فرض‌های خود تا جای ممکن
۳. جمع‌آوری داده‌ها از چندین نفر که آن پدیده را تجربه کرده‌اند (حداقل ۵ و حداکثر ۲۵ نفر). تأکید در اینجا بر فهم تجربه‌ی مشترک و جمعی از یک پدیده است و بهترین روش مصاحبه عمیق غیرساختاریافته است.

نیاز به استخراج عبارات مهم و معنادار از مصاحبه‌ها (Creswell, 2013 & Bingham, 2023) (طیبی ابوالحسنی، ۱۳۹۸ و شورا و همکاران، ۱۴۰۲) وجود دارد. در این مرحله از طریق تحلیل محتوا به بررسی مصاحبه‌ها از طریق گام‌های زیر پرداخته می‌شود:

- گام اول: خواندن و بازخواندن داده‌ها برای دستیابی به کلیتی از ماجرا و دریافت واکنش ما از این متن‌ها. همه‌ی توجه فوق به این موضوع اشاره دارد که آیا نخستین دریافت‌های ما با اجزای تحلیلی هم‌راستا هستند یا خیر. این کار برای آشنا کردن خود با داده‌ها در یک چرخه‌ی مبتنی بر هرمنوتیک لازم است.
- گام دوم: تجزیه‌ی متن بازنویسی‌شده به واحد معنایی و واحد معنایی تلخیص‌شده (ایده مرکزی از دست نرود).
- گام سوم: کدگذاری؛ کدها شامل یک یا دو کلمه هستند و شبیه به یک نام یا برچسب می‌مانند که به‌طور دقیق یک واحد معنایی را توصیف می‌کند. کدها شناسایی ارتباطات میان واحدهای معنایی را ساده‌تر می‌کنند. در نام‌گذاری باید تا حد ممکن نزدیک به داده‌ها باشیم و از تفسیر پرهیز کنیم. اصلاح، تعدیل، کدگذاری و باز کدگذاری تا زمانی که همه‌چیز منطقی به نظر برسد.
- گام چهارم: مقوله‌سازی؛ کنار هم چیدن کدهای مرتبط با هم از حیث درون مایه و بستر وقوع آن‌ها. در حقیقت تنظیم کدها در قالب مقوله‌ها به سؤالاتی نظیر: چه کسی، چه چیزی، کی و کجا پاسخ می‌دهند. مقایسه و سنجش کدها برای تعیین اینکه کدام کدها متعلق و متصل به هم به نظر می‌رسند و می‌توانند یک مقوله را شکل دهند. مقوله‌ها بیانی از درون مایه‌ی آشکار و واضح داده‌ها هستند.
- گام پنجم: تم (مضمون‌سازی)؛ مضامین از معانی ضمنی و پوشیده پرده برمی‌دارند و دو یا سه مقوله را در خود جای می‌دهند. مضامین

دارای مساحتی حدود ۱۰۳ هکتار و جمعیتی بالغ بر ۲۵۰۴۰ نفر در سرشماری سال ۱۳۹۵ بوده است. متوسط بعد خانوار در سنگلج در سال ۱۳۹۵، ۲.۹ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

در گذشته، سنگلج به عنوان مرکز تجاری و بازرگانی تهران شناخته می شد. بازار بزرگ تهران، که بخشی از آن در سنگلج قرار دارد، گواه این مدعاست. امروزه نیز با وجود رونق گرفتن مراکز تجاری جدید در نقاط دیگر شهر، سنگلج همچنان قطب مهمی برای اصناف مختلف، به خصوص پارچه فروشی و لوازم یدکی محسوب می شود. در کنار فعالیت های تجاری، کارگاه های تولیدی و صنعتی کوچک و متوسط نیز در این محله حضور دارند (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۷). در سال های اخیر، با توجه به موقعیت تاریخی و جاذبه های گردشگری سنگلج، رونق کسب و کار در حوزه گردشگری، رستوران داری و هتلداری نیز در این منطقه آغاز شده است.

سنگلج از محله های اصیل و قدیمی تهران است و مردمی با فرهنگ و سن غنی در آن زندگی می کنند. این محله خاستگاه شخصیت های برجسته ای در زمینه های مختلف علمی، فرهنگی، هنری و سیاسی بوده است. سنگلج در طول تاریخ فرازونشیب های زیادی را پشت سر گذاشته و شاهد رویدادهای مهمی بوده است (مجیدی و حیدری، ۱۳۹۵). امروزه نیز سنگلج به عنوان یکی از محله های با اصالت تهران، مورد توجه گردشگران و علاقه مندان به تاریخ و فرهنگ ایران است. این محله دارای کوچه ها و خیابان های باریک است که تردد در آن با مشکل همراه است. حضور فراوان کارگاه ها و انبارها در بخش همجوار بازار و نبود توجه صحیح از سوی وزارت میراث و گردشگری به سنگلج، شرایط را برای گسترش این کارگاه ها و انبارها در این محله فراهم ساخته است. بنابراین، شلوغی و تردد زیاد در سنگلج بر اثر این موضوعات افزایش یافته است.

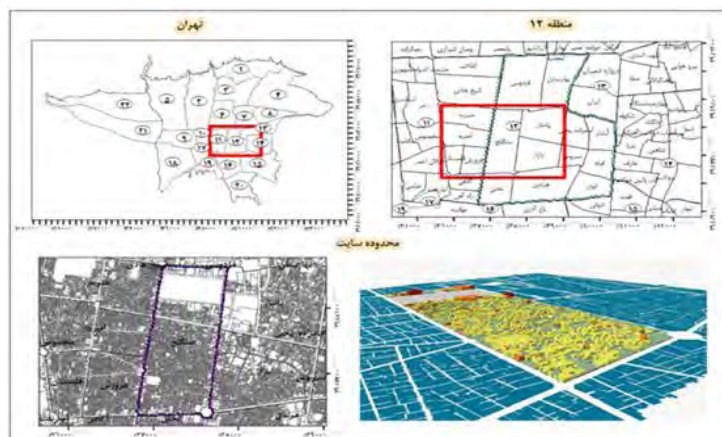
پاسخی به سؤالاتی نظیر چرا، چطور، به چه طریق و به چه معنایی هستند. مضامین، بیانگر داده ها در یک سطح تفسیری هستند.

• گام ششم: در آخر به مجموعه ای از روایت ها از مضمون ها می رسیم که در اصل با آن تفسیری که پژوهشگر از متن جمع آوری کرده است، بازنویسی می نماید. محصول نهایی جدول و چارتی است که دارای یک سری واحد معنایی بوده و از بین آن ها نماینده ها انتخاب می شوند، از این نماینده ها چند دسته ساخته می شود، سپس با استفاده از دسته های مستخرج شده سعی می شود چند مضمون پیدا شود که دسته ها را به هم مرتبط سازد. در نهایت برای هر مضمون تفسیر خود از آن چیزی که شنیده ایم را به صورت یک روایت بازنویسی می شود و برای اینکه تفسیر قابل اعتبار باشد به نقل و قول هایی که در مصاحبه ها انجام شده است، ارجاع داده می شود (Creswell, 2013 & Bingham, 2023) و (طیعی ابوالحسنی، ۱۳۹۸).

هدف از انجام این کار آن است که دید شخصی (ابژکتیو) کنار گذاشته شود و از طریق دریچه ی دید مردم (سوژکتیو) وارد ماجرا شد. جامعه آماری در این تحقیق، ساکنین قدیمی محله سنگلج هستند. جمع آوری داده ها از طریق مشاهدات در گیرانه و مصاحبات انفرادی و گروهی غیر ساختارمند انجام می شود.

مورد مطالعاتی

محله سنگلج، نگینی در قلب تاریخی تهران، در ناحیه ۱۲ شهرداری است که از شمال به خیابان امام خمینی (سپه سابق)، از جنوب به خیابان مولوی، از غرب به خیابان وحدت اسلامی (شاهپور سابق) و از شرق به خیابان خیام (جلیل آباد سابق) محدود می شود. تصویر شماره ۱ موقعیت مکانی محله را در تهران و منطقه ۱۲ نشان می دهد. این محله، همسایه محله های بازار، ارگ، عودلاجان و چاله میدان است که همگی در درون حصار تاریخی شاه طهماسبی قرار داشتند.



شکل ۱: موقعیت مکانی محله سنگلج در شهر تهران

یافته‌ها

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، بر اساس مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا تجربیات زیسته و خاطرات خود را در خصوص محله سنگلج و احساساتی که در این خصوص داشته‌اند، بازگو نمایند. در طول مدت مصاحبه، تلاش بر آن بود تا بحث از موضوع اصلی فاصله نگیرد و درعین حال که محیطی آرام و دلنشین و لذت بخش برای مصاحبه فرآهم آید، بحث به درازا نکشد و خستگی ایجاد نگردد.

پرسش‌های مطرح شده در این مصاحبه‌ها در عین سادگی در راستی‌شناسایی مؤلفه‌های سازنده لایه خاطرات شهری در این محله بوده است. پاسخ به این پرسش‌ها در راستای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در این پژوهش و اهداف مطرح شده بوده است. پرسش‌ها عبارت بودند از:

- از کی در این محله سکونت داشته‌اید؟
- در گذشته بیشتر اوقات خود را در کجای محله می‌گذرانید؟
- آیا خاطره‌ای از مکانی خاص در این محله دارید؟
- آیا مکانی در این محله هنوز باقی مانده است که شما را یاد گذشته بی‌اندازد ببیندازد؟

البته پرسش‌های دیگر و مکملی در طی فرایند مصاحبه پرسیده شد که متناسب با موقعیت و شرایط و پاسخ افراد متغیر بودند. در ادامه، مهم‌ترین بخش‌های پیاده‌سازی شده از این مصاحبه‌ها مرور گردید تا نکات قابل تأمل آن مستخرج شود. ابتدا بخشی از مصاحبه‌های انجام شده با این افراد مورد بررسی کلی قرار گرفت و در انتها، در قالب جدول ۲ مقولات و مؤلفه‌های مستخرج از این پرسش‌ها ارائه گردید. البته لازم به ذکر است که به دلیل آنکه واکاوی لایه خاطرات تنها از طریق ساکنین اصیل و قدیمی ممکن است؛ دسترسی به این افراد امری بسیار دشوار و از چالش‌های پیش‌رو این پژوهش بود. لذا با مراجعه به مسجد بینایی که از مساجد مهم محلی است و همچنین انجمن سنگلج، این افراد شناسایی شدند.

در نتیجه، مصاحبه با افراد قدیمی و اصیل محلی تنها محدود به کسانی بوده است که در مراجعه به این مسجد و انجمن شناسایی شده و در نتیجه نمی‌توان تعمیم عمومی صورت پذیرد. همچنین جا دارد اشاره شود که با مراجعه به کلیسای گئورگ مقدس این موضوع استنباط شد که این کلیسا هم‌اکنون به عنوان خانه‌ی سالمندان هم‌وطنان مسیحی مورد بهره‌برداری است و در

میان آن‌ها شخصی که در این محله سکونت داشته باشد، یافت نشد. در خصوص سایر افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند نیز تلاش بر آن بوده است از میان کسبه قدیمی بازارچه معیر و قوام انتخاب گردند تا لایه خاطرات محدوده محله آشکار شود. بنابر اصول اخلاقی تحقیق، موارد مطرح شده‌ی ذیل بی‌نام بوده و بخش‌هایی که به اشخاص خاص اشاره شده است، بدون آنکه به اصل مطلب آسیب برساند حذف شده است و اصل امانت‌داری و بازگویی آنچه که بیان شده، بی‌کم‌وکاست رعایت شده است.

در گفت‌وگو با یکی از ساکنین اصیل و قدیمی محلی این نکته حاصل گردید که وی اکثر اوقات خویش را صرف فعالیت‌های مذهبی می‌کرده و بر این اساس عموماً تنها با مساجد و تکایای محل در ارتباط بوده است. بخشی از صحبت‌های ایشان که در خصوص این فضای عمومی-مذهبی جالب توجه بود در ذیل آمده است:

«...قدیما اینجا پنج تا مسجد بوده که تو هر کدومشون پنجاه نفر نماز می‌خوندن. ولی حالا پنجاه تا مسجد داریم اینجا، اما فقط تو پنج تاش مردم نماز می‌خونن. بقیه‌ی مساجد، اصلاً کسی نمی‌ره توشون نماز بخونه.»

همچنین او به تخریب محله تاریخی سنگلج واکنش جالبی نشان داد و بیان داشت که:

«...رضاخان اینجا رو خراب کرد چون یادش می‌افتاد چه خبرایی اینجا می‌گذشته. قدیما اینجا همه کار انجام می‌دادن. قمار می‌کردن، مشروب می‌خوردن، قماربازی می‌کردن، شرط‌بندی می‌کردن. خود رضاخان هم می‌اومد اینجا می‌باخت. به همین خاطر خیلی بدش می‌اومد از اینجا و دستور داد همه‌جا رو خراب کنن. بورس بهونه بود، وگرنه اصل قضیه همون کارهای قدیمی بود که اینجا جریان داشت...»

در ادامه فرد دیگری به مسئله‌ی قماربازی در محدوده‌ی محله سنگلج مجدداً اشاره نمود پیک

«... قبلاً اینجا پر بود از عرق فروشی و قمارخونه ... خدا رو شکر بساطش جمع شد...»

نکته‌ی قابل تأمل در این است که این دو فرد اصیل محلی با گرایشات مذهبی هیچ گونه وابستگی به گذشته محل نداشته‌اند. هر دو به فعالیت‌های مذهبی خود در دسته‌ها و تکایا و مساجد اشاره داشتند و بیشتر اوقات خود را در این فضاها سپری می‌کردند.

در مصاحبه با برخی از کسبه بازارچه معیر که سبقه‌ی فعالیت چنددهه‌ای در این محدوده داشتند نیز نشانه‌ای از وابستگی به

محلّه در خود نداشت. گویی رابطه‌ی خود را با محلّه به سبب معضلات آن به طور کامل از دست داده بودند و هیچ گونه حس تعلق خاصی نسبت به آن از خود نشان نمی دادند. برای نمونه به دو مورد از پاسخ آن‌ها به آیا خاطره‌ای از مکانی خاص در این محلّه دارید؟ و آیا مکانی در این محلّه هنوز باقی مانده است که شما را یاد گذشته بی اندازد؟ در ذیل اشاره می شود.

«... قدیم اینجا یه محلّه بود، ولی سال‌هاست که دیگه محلّه نیست. تنها چیزی که موندن همین بازارچه قوام و راه رفت و آمدشه. اما حالا اوضاعش افتضاحه، چون اینجا موافروشا همه جا ریختن...»

«... قدیم اینجا یه محلّه بود، همه همسایه‌ها همو می شناختن. تو

جدول ۴- تحلیل محتوا و مضامین مستخرج از مصاحبه با ساکنین محلی

متن مصاحبه	واحد‌های معنایی	کدها	مقولات	مضامین
...قدیم اینجا رفت و آمد زیاد بود، هم کسبه‌ها و هم بچه‌هاشون همه همین‌جا زندگی می کردند...	قدیم، برویا، زندگی، زن و بچه	قدیم، رفت و آمد، زندگی	پویایی و سکونت	سرزندگی
...قدیم اینجا تو محلّه محرم که می شد مردم میومدن مسجد رو پر می کردن...	قدیم، محرم، مسجد	فعالیت مذهبی	فعالیت‌های مذهبی	مشارکت اجتماعی
...قدیم مسجدها پر بود از آدم...	مسجد، آدم	فعالیت مذهبی	فعالیت‌های مذهبی	مشارکت اجتماعی
...قدیم مردم بهم کمک می کردن اگر کسبه‌ای زمین می خورد دستش رو می گرفتن...	کسبه، مردم، دستگیری	گل‌ریزان	همدلی	مشارکت اجتماعی
...قدیم اینجا خیلی بهتر بود، امنیت داشت...طرف زن و بچه‌ش رو می سپرد دست همسایه خودش می رفت زیارت...	قدیم، امنیت، زن و بچه، همسایه	امنیت، همسایه	امنیت، زن و کودک	امنیت
...قدیم زن و بچه مردم می موندن شب بیرون، خیال طرف راحت بود...	شب، زن و بچه	امنیت، زن و بچه	امنیت، زن و کودک	امنیت
...زیر بازارچه معبر الان طرف وایساده جنس می فروشه...	بازارچه، معبر، فروش مواد مخدر	ناامنی	بزهکاری	امنیت
...الان محلّه پر شده از معتاد...هرجا می ری می بینی سه چهارتا سه چهارتا نشستن مشغولن برای خودشون...	محلّه، معتاد، مصرف مواد	ناامنی	بزهکاری	امنیت
...اینجا الان هرجا رو نگاه می کنی شده اشغال دونی	اشغال	نظافت و پاکیزگی	پاکیزگی محیطی	آسایش اقلیمی
...قدیم این کلیسا فعال بود اما الان دیگه به اون صورت فعالیت مذهبی نداره...	کلیسا، فعالیت مذهبی	فعالیت مذهبی	تنوع قومی	همه شمول بودن
...اکثر این دست فروش‌هایی که تو مترو و سر چهارراه‌ها می بینی، خونه شون اینجاست...	دست فروش	دست فروشی	شغل‌های سیاه	جابه جایی ساکنین اصلی
...دیگه کسی تو این محلّه از قدیمی‌ها نمونده، همه غربتی شدن...	قدیمی‌ها، غربتی	ساکنین غیراصیل	اقتشار آسیب پذیر	جابه جایی ساکنین اصلی
...اینجا امکاناتی نمونده برامون...نه درمانگاه درست و حسابی داره، نه مدرسه درست و حسابی...	امکانات، درمانگاه، مدرسه	دسترسی به خدمات شهری	دسترسی به خدمات شهری	دسترسی به خدمات شهری
...قدیم اینجا باصفا بود...رفت و آمدی بود...الان شده گداخونه...	قدیم، صفا	قدیم	نوستالژی	خاطره انگیزی
...هرچی می کشیم از این شهرداری و میراث می کشیم...	شهرداری، اداره میراث فرهنگی	نهادهای مسئول	دستگاه‌های ذی نفوذ	نهادهای مسئول

حاصل بررسی و واکاوی و تحلیل محتوی آنچه از کسبه و ساکنین اصیل این محله مستخرج شده است می‌توان بیان داشت که در محدوده‌ی محله سنگلج جز نام معابر و چند بنای تاریخی ثبت شده و پیشنهادی برای ثبت، دیگر عنصر خاطره‌سازی نمانده است. خاطرات شهری و جمعی در این محدوده به فراموشی سپرده شده و زندگی در این محله رو به زوال و نابودی است. دسترسی به خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی و رفاهی بسیار نامطلوب و کیفیت سکونت به شدت نازل است.

حضور ساکنین غیربومی، عمدتاً مهاجران داخلی و اتباع افغان در این محدوده سایه‌ی تاریکی بر آینده این محله افکنده است. ساکنین فعلی این محدوده که عمدتاً از اقشار آسیب‌پذیر اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شوند، تعلق اندکی نسبت به محله، هویت و تاریخ آن داشته و به این محله با اصالت تاریخی‌اش صرفاً به دید محلی برای خواب می‌نگرند. تعارض بین ساکنین قدیم و جدید در این محدوده بسیار آشکار و این گسست روزبه‌روز در حال عمیق شدن است.

ساکنین اصیل باقی مانده نه از سر اجبار که از سر عادت در این محله ساکن هستند و شکاف عمیقی بین آن‌ها و نسل‌های بعدیشان بر سر سکونت در این محله وجود دارد؛ به نحوی که پس از فوت این افراد، فرزندان و یا نوادگان تمایل جدی به فروش ملک و یا اجاره‌ی آن به غیر داشته‌اند و به شدت خواهان ترک بافت هستند.

خاطرات جمعی در این محدوده تنها به رویدادهای مذهبی محدود شده است و لایه خاطرات جمعی دیگری در این محله وجود ندارد. کهنسالانی که در این پژوهش با آن‌ها مصاحبه شد و یا کسبه متفق‌القول بر این باورند که زندگی از این محله رخت بر بسته و دیگر جای سکونت نیست. آن‌ها تنها با خاطرات خود از گذشته در این محله مانده‌اند. و تنها عامل نگهدارنده آن‌ها نوعی نوستالژیا یا همان هجران‌زدگی است. آنان حسرت روزهای اوج محله در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی را می‌خورند و با خاطرات خود از آن دوران زندگی می‌کنند.

کالبد محله نیز به شدت فرسوده شده است و به لحاظ کارکردی عملکرد مطلوبی ندارد. خدمات شهری در این محله نامطلوب و پایین‌تر از سرانه‌های استاندارد شهری است.

لازم به ذکر است که انجمن سنگلج به عنوان یک سازمان مردم‌نهاد در سطح محله مشغول به فعالیت بوده و در راستای معرفی هرچه بهتر محله به شیوه آموزش و آگاه‌سازی عمومی در ارتباط با چشم‌انداز انجمن، تهیه گزارش از عملکرد دستگاه‌های مسئول در حوزه توسعه

محله‌ای، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی علمی و تخصصی به آحاد جامعه و همچنین برگزاری کارگاه‌ها، سمینارهای تخصصی و عمومی و همایش‌ها فعال است تا زمینه‌ساز فعالیت‌های توسعه محله‌ای با موضوعات توسعه ظرفیت‌های گردشگری، بهبود کیفیت زیست محله، ارتقاء مشارکت محلی و ارتقاء برند محله شود. همچنین این محله دارای بازی با محوریت هویت محلی است که نمایشگاهی از آثار جانبی کودکان در مورد این بازی در خانه پدری دکتر حسابی دایر است که می‌تواند به بهبود تجربه زیسته ساکنین و به خصوص برای نسل جدید اقداماتی مثمر ثمر باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تجربیات زیسته ساکنان و لایه‌های خاطرات شهری نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و معنای محله سنگلج دارند. این نتایج با نظریات نوربرگ-شولتز و لوفور هم‌خوانی دارد که تأکید بر اهمیت تجربه زیسته و فضای اجتماعی در شکل‌گیری هویت شهری دارند. با مقایسه‌ی نتایج تحقیق با این نظریات، می‌توان به تحلیل عمیق‌تری از نتایج دست یافت و اعتبار علمی مقاله را تقویت کرد.

همچنین، نتایج تحقیق نشان‌دهنده‌ی عمق و پیچیدگی مفهوم هویت شهری است که درک آن نیازمند توجه به تجربیات زیسته و خاطرات شهروندان است. این موضوع نشان می‌دهد که شناخت هویت شهری تنها با بررسی عوامل فیزیکی ممکن نیست و باید به عوامل اجتماعی و تجربی نیز توجه کرد.

پیش‌بینی‌های آینده

بر اساس نتایج این تحقیق، تغییرات احتمالی در هویت محله سنگلج می‌تواند ناشی از پروژه‌های توسعه شهری یا تغییرات جمعیتی باشد. پروژه‌های توسعه شهری می‌توانند با تغییر فضاهای عمومی و ایجاد زیرساخت‌های جدید، به تغییر هویت محله کمک کنند. به عنوان مثال، ساخت‌وسازهای جدید، بازسازی فضاهای عمومی و ایجاد امکانات جدید می‌توانند تجربیات زیسته ساکنان را تغییر دهند و به تبع آن، هویت محله را نیز تحت تأثیر قرار گیرد.

تغییرات جمعیتی نیز می‌تواند با ورود نسل‌های جدید و تجربیات خاطرات متفاوت، دینامیک هویتی محله را تحت تأثیر قرار دهد. نسل‌های جدید ممکن است دیدگاه‌ها و انتظارات متفاوتی از محله داشته باشند که این امر می‌تواند به تغییر هویت محله منجر شود.

تحلیل این تغییرات می‌تواند به ساکنان و برنامه‌ریزان شهری در فهم بهتر و مدیریت تغییرات آتی کمک کند. با در نظر گرفتن این

۷. مهندسین مشاور یاوند. (۱۳۸۷). طرح تفصیلی منطقه ۱۲ شهر تهران.

8. Artemenko, Yarsalva. Anderil Artemenko. (2018). Mental Image of the City. 2018, Humanities Bulletin – London Academic Publishing 2018. Vol. 1, No. 1. P. 82-90.
9. Bingham, A. J. (2023). From Data Management to Actionable Findings: A Five-Phase Process of Qualitative Data Analysis. International Journal of Qualitative Methods, 22. <https://doi.org/10.1177/16094069231183620>
10. Blaikie, Norman. (1933). Approaches to social enquiry: Advancing knowledge. Cambridge, UK: Polity Press; Oxford, UK; Cambridge, MA: Marketing and production, Blackwell Publishers
11. Collaku, Fatlind (2022). PERCEPTION AND MEMORY OF URBAN SPACE. A Psychogeographical study of the Cannaregio district in Venice. Politecnico. A.Y. 2022/2021
12. Cresswell, Tim (2015). Place. An introduction. 2015 John Wiley & Sons Ltd.
13. Crotty, Michael. (1988). The Foundations of Social Research: Meaning and perspective in the research process. London: SAGE Publications Ltd.
14. Gill, P., Stewart, K., Treasure, E. et al. Methods of data collection in qualitative research: interviews and focus groups. Br Dent J 204, 291-295 (2008) <https://doi.org/10.1038/bdj.2008.192>.
15. Heidegger, M. (1962). Being and time. Harper & Row. Translated by John Macquarrie & Edward Robinson. 0-631-19770-2(pbk)
16. Jorgensen, A. (2004). The phenomenology of landscape: A visual exploration of spaces, places and experiences. Progress in Human Geography, 28(4), 411-434.
17. Kusenbach, C. (2003). The experience of landscape. Springer.
18. Lefebvre, Henry. (1991). The Production of Space. Blackwell. ISBN: 978-0-631-18177-4.
19. Lynch, Kevin. (1960). The image of the city. MIT Press.
20. Merleau-Ponty, M. (2010). Phenomenology of Perception (D. Landes, Trans.; 1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.1017/9780203720714/10.4324>.
21. Moya Pellitero, Ana. (2011). The phenomenological experience of the visual landscape. Research in Urbanism Series. 2. 57-71. 10.7480/rius.2.207.
22. Norberg-Schulz, C. (1980/ 1971). Genius loci: Towards a phenomenology of architecture. Rizzoli. New York. ISBN: 0847802876
23. Relph, Edward. (1976). Place and placelessness. Pion. London.
24. Schama, S. (1995). Landscape and memory. Vintage Books.
25. Seamon, David. (1979). A Geography of the Lifeworld: Movement, Rest & Encounter .
26. Tuan, Y-F. (1990). Topophilia: A study of environmental perception, attitudes, and values. Columbia University Press

پیش‌بینی‌ها، می‌توان برنامه‌ریزی‌های بهتری برای توسعه پایدار و حفظ هویت محله انجام داد.

برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود که بررسی‌های مشابهی در محله‌ها و شهرهای دیگر انجام شود تا تفاوت‌ها و شباهت‌های بین آن‌ها مشخص گردد. همچنین، تأثیر تغییرات اجتماعی و اقتصادی بر هویت شهری می‌تواند موضوع مهمی برای تحقیقات آینده باشد. این پیشنهادات می‌تواند به توسعه دانش در زمینه هویت شهری و فضای اجتماعی کمک کند و به سیاست‌گذاران شهری در برنامه‌ریزی و مدیریت بهتر فضاهای شهری یاری رساند.

اعلام عدم تعارض منافع

تألیف این مقاله بدون تأثیر یا تعارض منافع صورت گرفته است. نویسندگان در فرایند تهیه این مقاله، هیچ گونه منافع مالی، حقوقی یا شخصی نداشته‌اند که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر محتوا، تحلیل یا نتایج مقاله داشته باشد. همچنین، منابع مورد استناد در این مقاله بدون هر گونه تعارض منافع انتخاب شده‌اند.

فهرست منابع

۱. سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران.
۲. شورا، شهریار؛ آزاده لک. پویان شهبان (۱۴۰۲). درک پدیده بی‌رنگی در فضاهای شهری کلانشهر تهران با کاربست رویکرد پدیدارشناسی تفسیری. نشریه: علوم محیطی. سال: ۱۴۰۲. دوره: ۲۱. شماره: ۱. صفحات: ۲۸۶-۲۴۷
۳. صادقی فسایی، سهیلا. ایمان عرفان‌منش. (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. مورد مطالعه: تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی. راهبرد فرهنگ / شماره بیست‌ونهم / بهار ۱۳۹۴.
۴. طیبی ابوالحسنی، سیدامیرحسین. (۱۳۹۸). درآمدی بر روش تحقیق: رویه‌های استاندارد تحلیل داده‌های کیفی. سیاست نامه علم و فناوری. ۹۶-۹۷، (۲)۰۹.
۵. کرمی قهی، محمد تق. حامد علیزاده. (۱۴۰۱). پدیدارشناسی هرمنوتیکی در پژوهش کیفی. روش‌شناسی علوم انسانی. دوره ۲۸، شماره ۱۱۲ - شماره پیاپی ۱۱۲. مهر ۱۴۰۱. صص. ۱۷-۱۰.
- Doi: 10.30471/MSSH.2022.7991.2251
۶. معجیدی، بتول، حیدری، سامان. ۱۳۹۵. ارزیابی هویت مکانی محله‌های شهری، مطالعه موردی: منطق ه ۱۲ شهر تهران، محله سنگلج. نشریه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری. ۸(۲): ۲۲-۱۳.